

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

معادیا بازگشت گاه

جاودانی بشر

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم

نام جزوه: معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۶ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

۴ / معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

فهرست مطالب

«معاد» از دیدگاه اسلام ۱۷

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۵

مَا خُلِقْتُمْ لِلْفَنَاءِ بَلْ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ وَإِنَّمَا تُنْقَلُونَ
مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ.

شما برای جاودانگی، آفریده شده‌اید، نه فنا، و
تنها از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر منتقل می‌شوید.
رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

ادیان آسمانی، همه، به این حقیقت تصریح
کرده‌اند که انسان با مرگ از بین نمی‌رود بل، تنها از
این جهان به جهانی دیگر، می‌رود و در آن جهان به
جزای کردارهای، نیک یا بد خویش خواهد رسید.

پیامبران خدا و پیروانشان همه این نکته مهم را
گوشزد می‌کردند که: نظام شگفت‌انگیز این جهان یاوه

۶ / معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

نیست و پس از انتقال از این عالم، تمام کارهایی که در دنیا انجام گرفته است: بررسی خواهد شد؛ پس خود را برای آینده‌ای چنین قطعی و حتمی آماده می‌ساختند و گویی همواره می‌گفتند:

«... رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا

عَذَابَ النَّارِ»^۱.

«پروردگارا! این - جهان - را بیهوده نیافریده‌ای، تو از بیهوده آفریدن منزّه و پاکی، ما را از عذاب دوزخ نگاه دار.»

اینک برخی از دلیل‌های لزوم معاد:

^۱. سوره ی آل عمران ، آیه ۱۹۱.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۷

۱- حکمت و عدل خدا

مسأله‌ی معاد - که همه‌ی ادیان به آن تصریح کرده و پیامبران خدا با اصرار تمام، مردم را به آن هشدار داده‌اند - تنها یک مسأله‌ی تعبدی نیست؛ بلکه، عقل بر اساس حکمت و عدالت و رأفت خداوند آن را قطعی و حتمی می‌داند:

حکمت خدا اقتضا می‌کند که نیکوکاران را بدون پاداش و بدکاران را بی کیفر نگذارد و داد ستمدیدگان را از ستمگران بگیرد. می‌بینیم، این جهان جای کیفر و پاداش کامل نیست و بسیاری از نیکوکاران و بدکاران پیش از آن‌که به‌طور کامل به سزای اعمال خویش برسند می‌میرند؛ بدکاران با همه‌ی جنایت‌ها و تعدّی‌ها از مظاهر زندگی بهره‌مند

۸ / معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

می‌شوند و نیز داد مظلومان و ستمدیدگان از ستمگران گرفته نمی‌شود.

بنابراین، اگر پرونده‌ی آنان همین‌جا بسته شود و معاد و رستاخیزی در کار نباشد پس عدالت و حکمت و رأفت بی‌نهایت خدا چه می‌شود؟

چگونه می‌توان گفت: خالق عادل حکیم و مهربان، عالمی را به وجود آورده که در آن ناتوانان گرفتار ظلم و ستم و پس از مدتی نابود گردند؟!

همه می‌دانیم که این کار جز ستم چیز دیگری نیست. عدالت و حکمت و مهر ناچیز بشر با چنین کاری سازگار نیست، پس چگونه ممکن است خدای حکیم این چنین باشد؟! خدایی که هیچ نیازی به آفریدن ما ندارد و هدفش از آفرینش ما، تنها پرورش یافتن و بارآور شدن وجود خود ما است؛ چگونه

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۹

ممکن است به همین جهان اکتفا کند؟! و رشته هستی
بشر را قبل از بارور شدن و به ثمر رسیدن وی قطع
کند و ناقص واگذارد؟!!

بی شک خدا پاداش و کیفر کامل کردارها و
رفتارها را در سرای دیگری خواهد داد و چیزی را
فرو نخواهد گذارد.

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ
كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَ
مَمَاتِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ
لَا يُظْلَمُونَ.^۱

۱۰ / معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

«... آیا کسانی که مرتکب کردارهای ناروا شدند می‌پندارند که آن‌ها را مانند کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خواهیم دانست؟! زندگی و مرگشان برابر با زندگی و مرگ نیکوکاران است؟! بد قضاوتی است داوری آنان! و خدا زمین و آسمان‌ها را به حق آفرید... و برای اینکه هر کس به آنچه انجام داده و به دست آورده است، جزا داده شود و به کسی ستم نمی‌شود.»

و نیز، در این جهان محدود، ممکن نیست پاره‌ای از اعمال و کردارها کیفر داده شود، مثلاً کسی که با انداختن یک بمب میلیون‌ها نفر را به خاک و خون می‌کشد، کشته شدن او در برابر کشتن میلیون‌ها نفر؛ کیفر حساب نمی‌شود و جزای کامل او باید در آخرت که سرای ابدی است انجام بگیرد.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۱۱

و هم: زندگی این جهان که آمیخته با انواع گرفتاری‌ها و ناراحتی‌هاست، کوچک‌تر از آن است که خدا آن را پاداش نیکوکاران و کسانی که سراسر عمر خود را در راه بندگی خدا و نیکی به خلق گذرانده یا جان عدّه بی‌شماری را از مرگ حتمی رهانیده‌اند قرار دهد.

۲- مکافات‌ها:

در همین جهان به چشم و گوش، دیده و شنیده‌ایم: چه بسیار افرادی که مثلاً به پدر و مادر خود ستم کردند اما در زندگی پیروزمندی نداشتند و یا پدر و مادر خود را کشتند و جوان‌مرگ شدند، و نیز چه بسیار افراد که به پدر و مادر نیکی کردند و در همین جهان پاداش گرفتند و موفق زیستند و نیز چه

۱۲ / معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

بسیار افرادی که حقوق یتیمان را مراعات نکردند و در همین دنیا اثر شوم آن را دیدند.

قرآن کریم مردم را از عاقبت ستم به یتیمان می ترساند و می فرماید - : کسانی که اگر خودشان می خواستند کودکانی ناتوان از خود به جای بگذارند و از دنیا بروند بر آن ها بیمناک بودند باید بترسند (از اینکه کیفر ظلم و تجاوزشان به یتیمان دیگران، به یتیمان خودشان بازگردد) پس از خدا باید پروا کنند...

«و لِيُخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ...»^۱.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۱۳

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: خدا در خوردن مال یتیم دو کیفر نهاده است: عقوبتی در دنیا و جزایی در آخرت^۱.

گاه، رنج‌ها و بلاهایی که بشر می‌بیند، بر اثر کردارهای بدی است که از او سر زده است و در حقیقت، مکافات این جهانی است که به او در می‌رسد تا آگاه گردد و از کار زشت دست بردارد. قرآن کریم در چندین آیه، این موضوع را تصریح فرموده است از جمله:

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ...»^۲.

۱. نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۰.

۲. سوره‌ی شورا، آیه‌ی ۳۰.

۱۴ / معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

ناراحتی‌هایی که به شما می‌رسد بر اثر کارهایی
است که خود مرتکب شده‌اید.

(فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ
فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ).

آن‌ان که از فرمان خدا و پیامبر او سر می‌پیچند
باید از رسیدن بلا یا عذاب دردناک، بترسند^۱.

«... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا
بِأَنْفُسِهِمْ...»

خدا وضع مردم را تغییر نمی‌دهد مگر این‌که
خود مردم وضع خویش را دگرگون سازند.^۲

۱. سوره‌ی نور، آیه ۶۳.

۲. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۱.

درس‌هایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۱۵

برخی از اقوام و امم پیامبران خدا در اثر
سریچی، در همین دنیا سزای دنیایی اعمال خود را
می‌دیدند.

قرآن کریم، سرگذشت عذاب و مکافات قوم
نوح، قوم هود، قوم صالح، قوم لوط، قوم شعیب و
غیره را شرح می‌دهد^۱.

این مکافات‌ها شاهد زنده‌ای است که خداوند
عادل و مهربان به تبهکاری و ستم راضی نیست و
کیفر کامل اعمال را در جهان دیگری خواهد داد.
به‌طور کلی، مکافات‌های دنیوی نمونه‌ی ساده‌ای
است از مکافات کامل اعمال در جهانی واپسین. و هر
کس این جزاهای دنیوی را در نظر بگیرد به‌خوبی

۱. سوره‌ی هود و غیره.

۱۶ / معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

درمی یابد که انسان به خود وا گذاشته نشده است و در جهان دیگر با حساب دقیقی به کردار و رفتار او رسیدگی خواهد شد.

این یادآوری لازم است که: گاه برای سازندگی و تکامل افراد نیکوکار. گرفتاری‌های و مصیبت‌هایی رخ می‌دهد و نمی‌توان آنها را کیفر و مکافات به حساب آورد؛ چنان‌که اگر برخی از بدکاران هم در اینجا به مکافات عمل خویش نرسند، دلیل آن نیست که مشمول نظر خاص و لطف خدا هستند یا از قلم افتاده‌اند، بلکه مکافات آنان به آخرت واگذار شده است.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۱۷

«معاد» از دیدگاه اسلام

از ادیان آسمانی، اسلام از همه بیشتر به معاد اهمیت داده است تا آنجا که شاید کمتر موضوعی در اسلام به این مقدار به بزرگی گرفته شده باشد. بیش از هزار آیه‌ی قرآن کریم، ویژه‌ی معاد و زندگی پس از مرگ است ولی آیاتی که برای احکام و مقررات فردی و اجتماعی در قرآن آمده و به عنوان «آیات الاحکام» نامیده می‌شود از پانصد آیه درنمی‌گذرد؛ از این رو، اعتقاد به معاد یکی از پایه‌ها و اصول دین مقدس اسلام به شمار می‌رود.

آیاتی که در قرآن عزیز، درباره‌ی معاد آمده، جهات مختلفی را در نظر گرفته است که اینک به نمونه‌هایی، اشارت می‌رود:

۱۸ / معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

درباره‌ی ضرورت معاد می‌فرماید:

۱- **أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى.^۱**

آیا انسان می‌پندارد که مهمل واگذاشته می‌شود؟!

یعنی کردار و رفتار او بررسی نمی‌شود؟

۲- ما آسمان و زمین و آنچه در میان آنها است

بیهوده نیافریده‌ایم این گمان کسانی است که کافرند و

وای به حال کافران از آتش دوزخ؛ آیا کسانی را که

ایمان آورده و کارهای نیکو کرده‌اند با کسانی که در

زمین فساد می‌کنند برابر می‌نهییم یا پرهیزکاران را با

تبهکاران یکسان می‌شماریم؟!^۲

۱ . سوره‌ی قیامت، آیه‌ی ۳۶.

۲ . سوره‌ی ص، آیه‌ی ۲۸ و ۲۷.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۱۹

۳- «وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ

إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ...»^۱

مپندار که خدا از کردار ستمگران، غافل است -
در حقیقت - تنها به آنان مهلت می‌دهد تا آن روزی
که چشم‌ها در آن - از شدت عذاب - خیره می‌شود؛
(در آن هنگام به حساب آنان رسیدگی می‌شود.)

مشرکان، رستاخیز را باور نداشته و آن را بعید
می‌دانستند ابی بن خلف یک روز استخوان پوسیده‌ای
را نزد پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) آورد و آن را
در دست خود خرد کرد و گفت: (مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ
هِيَ رَمِيمٌ)^۲.

۱. سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۴۲.

۲. سوره‌ی یس، آیه ۷۸.

۲۰ / معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

چه کسی این استخوان‌های پوسیده‌ی خرد شده
را زنده می‌کند؟!۱

خدا در پاسخ او که آفرینش نخستین خویش را
فراموش کرده بود؛ فرمود:

«قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ
خَلْقٍ عَلِيمٌ»^۲.

خدایی که در آغاز این استخوان‌ها را آفرید و
به آن‌ها حیات داد؛ همو بار دیگر آن‌ها را زنده
خواهد کرد و او به هر آفریده‌ای دانا است. و نیز
افزود: آیا آن‌که آسمان‌ها و زمین را آفرید؛ یارایی

۱. مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۴۳۴؛ تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۱۳.

۲. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۷۹.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۲۱

ندارد، مانند ایشان را بیافریند؛ چرا، او یارایی دارد و آفریدگار داناست.

«أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ»^۱.

درباره‌ی سرانجام مردم با ایمان و کفار و توصیف آنچه که کافران را به دوزخ و مؤمنان را به بهشت می‌برد؛ می‌فرماید:

«فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَ آثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ»^۲.

۱. سوره یس، آیه ۸۱.

۲. سوره‌ی نازعات، آیه‌ی ۳۷ به بعد.

۲۲ / معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

اما کسی که سرپیچد و دنیا را به آخرت رجحان دهد، دوزخ جایگاه اوست و اما کسی که او از مقام پروردگارش بیم کرد و خویش را از هوای نفس بازداشت، بهشت جایگاه اوست.

«مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ»^۱.

هر که بد کند جز به مانند آن، سزا نبیند و هر کس - چه مرد و چه زن - کردار شایسته‌ای انجام دهد و با ایمان باشد؛ در بهشت جا دارد و بی‌شمار روزی داده می‌شود.

۱. سوره‌ی مؤمن، آیه ۴۰.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۲۳

قرآن سختی قیامت و شدت عذاب را گوشزد می‌کند تا مردم از خدا پروا کنند و پرهیزکار گردند.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ

عَظِيمٌ...»

ای مردم از پروردگار خویش پروا کنید که زلزله‌ی رستاخیز، هول‌انگیز است روزی که می‌بینید زن شیرده از شدت هول و هراس کودک شیرخوار خود را فراموش می‌کند و زنان باردار، بار خویش فرومی‌گذارند و مردم را به گونه‌ی مستان می‌بینی، اما مست نیستند، بلکه عذاب خدا شدید و سخت است.^۱ آن هنگام که صیحه و خروش بلند قیامت به گوش‌ها برسد؛ روزی که انسان از برادر، مادر، پدر،

۱. سوره‌ی حج، آیات ۲ - ۱.

۲۴ / معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

همسر و فرزندان خویش می‌گریزد؛ (در چنین روزی هرکسی را کاری است که او را از دیگران به خود مشغول می‌سازد).^۱

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّرًا
وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَيِنَاهُ أَمَدًا
بَعِيدًا».

روزی که هر کس آنچه از نیک یا بد انجام داده، پیش رو می‌یابد و دوست می‌دارد که کاش میان او و میان کار زشتش مسافتی بس دراز فاصله می‌بود.^۲

۱. سوره‌ی عبس، آیات ۳۶ - ۳۳.

۲. سوره‌ی آل‌عمران، آیه ۳۰.

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۲۵

صدها آیه‌ی دیگر، معاد و حساب روز رستاخیز را بیان می‌کند. اگر این آیات، همراه با تأمل و دقت بیشتری ملاحظه شود، روش انسان را در زندگی عوض می‌کند تا حدی که دیگر چیزی را بدون حساب انجام نمی‌دهد و از خدای پروا می‌کند و برای حیات جاودانه‌ی خویش، در این جهان - که به گونه‌ی مزرعه است، توشه فراهم می‌آورد، مسلمانان پاکدل از بیم آخرت، کارها و حتی گفتار و افکار خود را می‌سنجند و شب‌ها از خواب نوشین دست‌باز می‌دارند و به عبادت و راز و نیاز با خدا می‌پردازند و کاری را از روی هوس انجام نمی‌دهند و شب و روز به فکر تربیت خویش و جامعه می‌باشند.

صعصعة بن صوحان می گوید: برای انجام نماز صبحگاهی، در مسجد جامع کوفه حاضر شدم. حضرت علی علیه السلام امیر مؤمنان با ما نماز گزارد و پس از سلام نماز، رو به قبله نشست و به ذکر خدا پرداخت و به راست و چپ خود نمی نگریست تا آفتاب زد. سپس رو به ما کرد و فرمود: در زمان خلیل و دوستم - رسول خدا صلی الله علیه و آله - کسانی بودند که از شب تا صبح در سجده و رکوع به سر می بردند و چون سپیده می دمید ژولیده مو و غبار آلود بودند و پیشانی آنان بر اثر سجده ی زیاد پینه بسته بود. آنگاه که به یاد مرگ می افتادند، چون درخت که به تازیانه ی باد می لرزید - به اضطراب می افتادند و می گریستند چندان که لباسشان از اشک چشم تر

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۲۷

می شد. آنگاه حضرت امیر علیه السلام برخاست اما می فرمود:
گویا آنان که بازمانده اند در غفلت به سر می برند (۱).
یک روز، رسول گرامی اسلام پس از نماز صبح،
در مسجد، جوانی - به نام حارثه - را دیدند که
چرت

۱- ارشاد، ص ۱۱۴ - نهج البلاغه فیض،

خطبه‌ی ۶۹ با اندک تفاوت.

می‌زد و زرد چهره و نحیف و چشمانش گود
رفته بود. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به
او فرمود: چگونه صبح کردی گفت: در حال یقین.
رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) از گفته او
تعجب کرد و فرمود: هر یقینی حقیقتی دارد، حقیقت
یقین تو چیست؟

گفت: ای رسول گرامی! یقینم مرا محزون
ساخته و خواب را از چشمم ربوده و مرا در
نیمروزهای گرم به تشنگی انداخته است، از دنیا و
آنچه در آن است بریده‌ام، گویی هم‌اکنون می‌بینم
رستاخیز برپا شده و مردم برای حساب گردآمده‌اند و
من نیز در میان ایشانم و می‌بینم که گروهی از
نعمت‌های بهشتی بهره‌مند می‌شوند و بر سریرهای
بهشتی دور هم، نشسته‌اند و با هم گفتگو دارند؛ و

درسهایی از اصول دین، شماره بیست و سوم / ۲۹

می بینم که گروهی دیگر در آتش عذاب می شوند و
فریاد مدد خواهی و پناهجویی آنان

۲۴

بلند است و گویی هم اکنون خروش شعله های
آتش در گوشم طنین انداز است.
رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) به
یاران خود فرمود: بنده ای است که خدا دل او را به
ایمان نورانی ساخته است. سپس به آن جوان فرمود:
مواظب باش که این حال را از دست وامگذاری،
جوان عرض کرد: ای رسول خدا! از خدا بخواهید که

۳۰ / معاد یا بازگشت گاه جاودانی بشر

در رکاب شما به شهادت برسیم. آن گرامی، از خدا
برای او شهادت خواست. و طولی نکشید که در یکی
از جنگ‌ها پس از شهادت نه تن، به این افتخار نائل
آمد (۱).

۱- کافی، ج ۲، ص ۵۴ - ۵۳.